

دبیرخانه امور معرفتی

طرح نظام جامع اندیشه اسلامی

درس: نظام فکری امام خمینی (ره)

ارائه دهنده: استاد سید مهدی موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

از نظام فکری امام خمینی تا مکتب معرفتی انقلاب اسلامی

بخش اول:

مقدمه

✦ انقلاب اسلامی ایران تولید کننده‌ی یک مکتب معرفتی جامع و بی‌بدیل است که طرحی نو در اسلام‌شناسی درافکند و بدین واسطه جهان معنایی جدیدی متولد شد و در این عالم، افق‌های جدیدی در عرصه‌ی شناخت هستی و انسان، معرفت و سیاست، اجتماع و مدیریت به روی بشریت گشوده شد. بنیان این مکتب معرفتی را نظام فکری حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) تشکیل می‌دهد. از این رو پرسش از چگونگی تبدیل نظام فکری امام خمینی به مکتب معرفتی انقلاب اسلامی می‌تواند الهام بخش ما در برقراری نسبت عمیق‌تر با امام و انقلاب و آینده ایران اسلامی باشد. چرا که شخصیت و نظام فکری امام صورت باطنی انقلاب اسلامی و تاریخ ماست و می‌تواند ما را از تحیر و پریشانی فکری و از جاکنندگی معرفتی خلاصی بخشد. پریشانی‌ای که محصول غفلت از حقیقت انقلاب و عهد ملت ایران با امام خمینی است. نظام فکری امام خمینی تنها امکان ما جهت رجوع به فطرت و اسلام و خروج از سیطره تفکر غربی است چرا که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «آن مرد عظیمی که بلاشک خداوند متعال لمعه‌ای و لمحه‌ای از انوار طیبه‌ی نبوت‌ها در وجود او قرار داده بود.» ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

❖ مقصود این نوشته از "نظام فکری" عناصر بنیادین معرفتی و محکّمات فکری است که نقش معنابخشی، نظم‌دهی و جهت‌دهی به سایر عناصر و اجزای یک مجموعه‌ی معرفتی دارد. نظام فکری در این تلقی، غیر از "منظومه‌ی فکری" است که به مجموعه عناصر معرفتی به هم پیوسته و مرتبط اطلاق می‌شود. در واقع "نظام فکری" هسته‌ی سخت و اصول بنیادین در منظومه فکری است که به آن روح، معنا، نظم و جهت می‌دهد. نظام فکری آن دسته از محکّمات و مبادی ثابت و پایدار و عمومی یک متفکر است که مقدمه‌ی تفکر و اندیشه او قرار می‌گیرد و در نقش پایگاه فکری، با مجهولات و مسایل جدید روبرو می‌شود و در صدد پاسخ دادن بر می‌آید به نحوی که در مواجهه با همه مجهولات و پرسش‌ها به گونه‌ای سخن بگوید که در آن تناقض و پریشانی نباشد بلکه همه پاسخ‌ها منظومه وار حول نظام فکری به عنوان نخ تسبیح سامان یابد. وجود نظم فکری و مبادی ثابت معرفتی، نظم شخصیتی، نظم شناختی و نظم دانشی ایجاد می‌کند و انسان از حزب باد بودن و همج رعایا و متشتت و متحیر بودن در شرایط بحرانی و موقعیت‌های مرزی می‌رهاند و به تفکر و اطمینان قلبی و ثبات در قدم می‌انجامد. بنابراین فرد و جامعه‌ای تفکر می‌کند که از نظام فکری برخوردار باشد تا از یک پایگاه معرفتی مشخصی به پدیده‌ها و پرسش‌ها بنگرد و به تجزیه و تحلیل اطراف آن و همچنین مقایسه آن با وضع مطلوب و آرمانی پردازد و الا گرفتار وهم و خیال پردازی و سطحی‌نگری می‌شود و از حقیقت دور می‌گردد.

❖ مقصود از "مکتب معرفتی" نظم معرفتی و دستگاه منسجم، هماهنگ و به هم پیوسته‌ای است که افق‌های جدیدی را در تبیین پدیده‌ها و توصیف لایه‌های عمیق‌تر واقعیت می‌گشاید و به طرح و برنامه‌ی زندگی می‌انجامد که امکان آن در دستگاه‌های دیگر وجود ندارد.

در درون هر "مکتب معرفتی" انواعی از "مدرسه معرفتی" متفاوتی امکان تحقق دارد که در عین اشتراک در نظم بنیادین از عناصر ویژه‌ای برخوردارند که موجب شکل‌گیری نوآوری‌های علمی می‌شود. به طور نمونه "حکمت متعالیه" یک مکتب فلسفی متفاوت از "حکمت مشاء" و "حکمت اشراق" و "فلسفه غربی" است اما در عین حال مدرسه‌های معرفتی مختلفی ذیل آن وجود دارد. مانند "مدرسه فلسفی اصفهان"، "مدرسه فلسفی تهران"، "مدرسه فلسفی خراسان" از آنجمله است. همچنین در حوزه فقه و اصول، دو "مکتب اصولی" و "مکتب اخباری" وجود دارد که ذیل هر کدام مدرسه‌های معرفتی متفاوتی وجود دارد. در ذیل

مکتب اصولی چند مدرسه وجود دارد که در عین التزام به مکتب اصولی و مبادی و منهج کلان از نوآوری‌های مختلفی برخوردارند مثل "مدرسه فقهی قم" و "مدرسه فقهی نجف".

دارایی‌های فکری و معرفتی امام خمینی

امام خمینی به لحاظ فقهی در ادامه "مکتب اصولی" و "مدرسه فقهی قم" قرار دارد و در ادامه آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی به تقویت و تعمیق این مدرسه‌ی فقهی پرداختند و نوآوری‌های بسیاری هم دارند. به لحاظ فلسفی و عرفانی در ادامه‌ی مکتب "حکمت متعالیه" و "مدرسه‌ی فلسفی تهران و قم" قرار دارند که مهم‌ترین ویژگی آن جمع میان حکمت و عرفان است. در این بین بسیار از آیت‌الله شاه‌آبادی متأثر است. اما آنچه امام خمینی را از دیگران متمایز می‌کند آن "نظام فکری" ایشان است که از جامعیت ویژه‌ی برخوردار است که در نهایت به تولید مکتب فکری انقلاب اسلامی در عرصه‌ی اسلام‌شناسی و طرح کلی و جامع زندگی انسان در عصر تجدد و حجاب حقیقت منجر شده است و موجب آغاز تاریخی نوین برای بشریت عصیان‌زده شده است.

بخش دوم:

ویژگی‌های نظام فکری امام خمینی

امام خمینی متفکری برجسته و صاحب یک نظام فکری و نظام جامع از اندیشه‌ی اسلامی بود که از ویژگی‌های مختلفی برخوردار بود که مهم‌ترین آن از این قرار است:

۱. توجه جدی به محکّمات اندیشه و اصول معرفت در مسیر انکشاف حقیقت و تفکیک آنها از سایر معارفی که به توضیح و تفصیل و اثبات آن می‌پردازد و تلاش برای بازگرداندن همه‌ی معارف تفصیلی و توضیحی به آن محکّمات و اصول ثابت و عمومی؛ محکّمات نظام فکری امام خمینی همان مقاصد اصلی دین اسلام و فلسفه‌ی واقعی احکام الهی است.
۲. توجه مراتب و درجات تشکیکی معرفت که کاملاً ناظر به واقعیت ذومراتب حیات انسانی و نظام خلقت دارد. لذا تناظر میان معرفت، انسان و هستی برقرار می‌کند و از ظواهر اشیا و سطوح معرفت عبور کرده و راهی به لایه‌های باطنی و غیبی واقعیت جستجو می‌کند لذا #تفکر منزل اول سلوک انسانی است. تفکر یعنی عبور

از خیالات و انگاره های ذهنی، مشهورات زمانه و عادات اجتماعی (حجابهای خودساخته) که حجاب موقعیت ما و مهجوریت قرآن و حقیقت شده است و نسبت ما را با حقایق ثابت هستی مختل کرده است و در عین حال توجه به حقایق ثابت و مقصد اعلای حیات انسانی است.

۳. از منابع مختلف معرفت بخش بخصوص قرآن و حدیث، عقل و تاریخ (بخصوص تاریخ انبیاء و اولیای الهی) بهره می برد تا جوانب مختلف واقعیت و لایه های معنایی هستی و ابعاد باطنی انسان آشکار شود. از این رو معرفت امر ذو مراتب و درجات است که هر کس براساس ظرفیت خود از آن بهره دارد.

۴. پس از کسب اجتهاد در علوم اسلامی و تراث دانشی مسلمین (بخصوص، عرفان و فلسفه، فقه و اصول) از آنها برای صورتبندی نظام اندیشه خود و حل مسائل خرد و کلان جامعه ی بشری بهره گرفته است. هیچ علمی را فدای دیگری نمی کند و با هیچ دانشی سر ستیز و تقابل ندارد. (بسیج همه ی علوم برای حل مسائل جامعه بشری)

۵. در نظام اندیشه امام خمینی، همه ی معرفت ها و علوم برای "زندگی توحیدی"، عمل و حرکت انسان به سمت کمال است و هیچ دانشی فی نفسه مقصود نیست مگر معرفت قلبی و ایمانی به خداوند متعال (به عنوان حقیقت همه حقایق و کمال مطلق فطری) که ره آورد عمل و حرکت آگاهانه ی انسان و نتیجه تکامل وجودی او و اتصال قلبی به حقیقت است. چون هدف علم و معرفت انکشاف حقیقت و اتصال به حقیقت از طریق عمل است به جای کثرت اطلاعات، تذکر و درونی شدن معرفت بسیار اهمیت می یابد تا معرفت از حالت لقلقه زبان و حال خارج شود به ملکه و حقیقت وجودی مبدل شود.

۶. این نظام فکری چند بعدی و چند لایه است، محور در عرصه ی انسان شناسی #فطرت است در عرصه ی هستی شناسی #وحدت_هستی است، در عرصه ی معرفت شناسی انکشاف حقیقت و #واقع گرای_اجتهادی است و در عرصه ی حرکت و زندگی #توحید_عملی و #قیام_الله در همه ی ساحت های حیات انسانی و تمامی زوایای زندگی است که برنامه ی عملیاتی برای زندگی توحیدی عزتمندانه و جامعه متکامل در دنیا عرضه می کند.

۷. غایت اصلی کل تفکر اسلامی، #تربیت انسان و یافتن "صورت انسانی" است. باقی اهداف و مقاصد همچون پیشرفت و رفاه، قسط و عدالت، آزادی و رهایی، امنیت و سلامت نقش طریقی و مقدمی برای تربیت و کمال حقیقی انسان را دارند و نباید نگاه استقلالی به آنها داشت که نگاه استقلالی موجب تقلیل گرای اسلام و تضاد فکری و اجتماعی می شود.

۸. نظام فکری علی‌رغم ثبات در محورها و اصول، در هر زمان و مکانی، دلالت‌ها و اقتضاهای معرفتی و رفتاری خاصی دارد. لذا در ذات آن پویایی و انعطاف نهفته است. بدین جهت از جمود، تحجر و التقاط مبرا است و همواره به اجتهاد نو به نو و توجه به معادلات و اقتضائات زمان و مکان در همه‌ی ساحت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی لازم است.

بخش سوم:

۹. نظام فکری امام خمینی، ناظر به ابعاد فطری و اشراقی حیات انسان و عناصر انسانی مکتب اسلام است و به همین جهت هویت جهانی دارد و به مناسبات سیاسی و اجتماعی جهان توجه دارد و در اندیشه‌ی تحقق توحید و عدالت حقیقی در سراسر گیتی و کسب قدرت اداره‌ی جهان در قامت یک تمدن متعالی بواسطه‌ی بیداری ملت‌ها و جبهه مستضعفان جهانی و "آزادی انرژی متراکم جهان اسلام" است. بدین جهت، نظام فکری امام، آغازی بر تاریخ فطری و اشراقی جهان و تغییر مناسباتی است که در غیبت حقیقت و انحراف فطرت از غیب به طبیعت و ادعای حصر وجود در طبیعت محدود (علت نهیلیسم) بر جهان مسلط شده است. تفکری که اساس آن را تذکار به حقیقت و مشاهده‌ی افق‌های اشراقی و متعالی هستی شکل داده است و همه مناسبات انسانی و معادلات جهانی را در آن افق به توصیف و تفسیر و تبیین نشسته است تا بشر راهی به عالم قدسی بیابد و با عبور از مجازها، عصر حقیقت و وحدت را آغاز کند.

۱۰. نظام فکری امام خمینی، اگرچه دارای بنیان‌های حکمی و فقهاتی عمیقی است اما به عنوان یک دانش و علم رسمی وارد عرصه‌ی عمومی نشد که مردم با درس و بحث رسمی با آن آشنا بشوند و بدان اقبال نشان دهند بلکه به عنوان یک گفت‌وگو و عقلائیت عملی و اجتماعی وارد فرهنگ عمومی شد و با دردها و دغدغه‌های مردمان جامعه ارتباط برقرار کرد و پاسخی بود به تمنای تاریخی ملتی که در پی طرحی نو بودند. جامعه‌ی ایرانی در نظام فکری امام خمینی گمشده‌ی تاریخی خویش را دیدند و با جان خود با آن اتصال برقرار کردند و اقبال نشان دادند. از اینرو، نظام فکری امام خمینی (محکمت و عصاره اندیشه و دانش) در چارچوب زبان مردم (ساده و بی‌قلق، عمیق و همه‌فهم) با ارجاع به فطرت و موقعیتی که مردمان در آن قرار گرفته و وجود اجتماعی آنها را ساخته است و از طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها (رسانه‌ها) و بواسطه تلاش فکری و عملی

شاگردان و مصلحان (تبلیغ و جهاد تبیین) به خلق یک جهان معنایی و چشم انداز بینشی، گرایش و کنشی نوینی در عرصه‌ی فرهنگ عمومی انجامید.

فرایند تبدیل نظام فکری به مکتب معرفتی

حضرت امام خمینی از سال ۱۳۰۸ شمسی به بعد که قلم به دست گرفت، در تلاش بود تا بتواند یافته‌های علمی و شهودی خویش را به نگارش درآورد و در لابلای این آثار، محکّمات و اصول فکر وی به تدریج آشکار می‌شد. ایشان همچنین در تدریس و تربیت شاگردان فاضل و برجسته‌ی فلسفی و فقهی توانست نظام فکری خویش را به شاگردان انتقال دهد و ذهن جان آنها را صیقلی دهد. اما بیش از همه جا، این تفکر و اندیشه در بیانات حماسی اعلامیه‌های انقلابی وی امتداد عینی و اجتماعی به خود گرفت و جوانب مختلف آن بر همگان آشکار می‌شد. به خصوص اینکه بعضی از شاگردان و تربیت شدگان در تلاش بودند تا اندیشه‌های حضرت امام را در سطح جامعه تبیین و تفسیر کنند و بنیان‌های قرآنی و حدیثی، فلسفی و کلامی، تاریخی و اجتماعی آن را با زبان بلیغ و قلم روان بیان کنند و یک گفتمان فکری عمومی را به وجود آورد. با توسعه آثار قلمی و زبانی در اطراف ایده‌ی انقلاب اسلامی و تفسیر و تبیین اندیشه‌های امام و اکتشاف لایه‌های عینی و اجتماعی آن زمینه برای شکل‌گیری مکتب معرفتی انقلاب اسلامی فراهم شد، مکتبی که حرف نوئی برای بازگشت بشریت به عهد قدسی و استقرار توحید و عدالت بر همه مناسبات انسانی و معادلات جهانی عرضه کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در جریان تدوین قانون اساسی و مباحثات نخبگانی اطراف آن، ظرفیت‌های این نظام فکری برای مطرح شدن به عنوان یک مکتب معرفتی پویا و فعال در برابر مکاتب لیبرالیستی و سوسیالیستی بیشتر آشکار شد. متفکران مسلمان نشان دادند که بر اساس معارف اسلامی می‌توانند نقشه جامعه‌ای از زندگی انسان را در ساحت‌های مختلف ترسیم کنند. پس از تدوین قانون اساسی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، مکتب معرفتی انقلاب اسلامی وارد دوران جدیدی شد و با توجه به حوادث و رویدادهای بعد از انقلاب (جنگ‌ها، تحدیدها، تحریم‌ها، ریزش‌ها و رویش‌ها) و تجربه‌های جدید کنشگران ایرانی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روز به روز ابعاد بیشتری از ظرفیت‌های این مکتب معرفتی روشن می‌شد و بر بالندگی آن افزوده می‌گشت.

نقش امام خمینی در دوران و بالندگی مکتب معرفت انقلاب اسلامی نیز بسیار حائز اهمیت است. ایشان از یک سو با رهبری الهی و حکیمانه خود این کاروان را منزل به منزل به جلو هدایت میکرد. از سوی دیگر، با حکمت و اجتهادات عمیق دینی و فقهی خود به بسیاری از اختلافات فکری پایان داد و موانع را از سر راه برداشت و در عین حال افق‌های امیدبخش آینده و مسیرهای جدید تفکر و حرکت را به مردم و نخبگان نشان داد.